

ایستگاه

توقفی کوتاه در ایستگاه فنده

« مهدی طوسی
ما بچه که بودیم مامانمون یه دمپایی داشت که اگه تو دعوا پرت می کرد طرفت و جاخالی نمی دادی مرگ مغزی می شدی!
حالا مامانای امروزی میخوان تنبیه کنن میگن: آبیید جدید که اومد دیگه برات نمی خوریم پسر بی تربیت، باید با همون آبیید قبلیت بسازی...! »

طریقه عذر خواهی بعضی ها :
ببخشید ولی تقصیر خودت بود!

یکی از چالش های بزرگی که در کودکی فراروی من بود و باهاش درگیر بودم این بود که چه جور «فربری عرب‌نیا» و «ابوالفضل پورعرب» رو از هم تفکیک کنم!

یکی از لوازم تحریرای لوکس زمان ما از این پاک کن هابی بود که یه سرش پاک میکرد اون یکی سرش جارووووو!

دو نفرو سخت میشه پیدا کرد. یکی کسی که درکت کنه و دومی کسی که بدونه کجای کمرت می خاره!

شانس زنگ در بقیه رو میزنه با کله میره تو!
به ما که می رسه زنگ میزنه فرار میکنه ...

انصافا تخمه آفتابگردون به مراتب با نظم و تر تیب بیشتری نسبت به انار یک جا نشسته حیف که استعدادش به چش نیومده!

مورد داشتیم طرف با ماشین کنترلی خاموش کرده!

دلجویی طرف از همسرش:

-دیروز چت بود؟

هیچی

-امروز چته؟

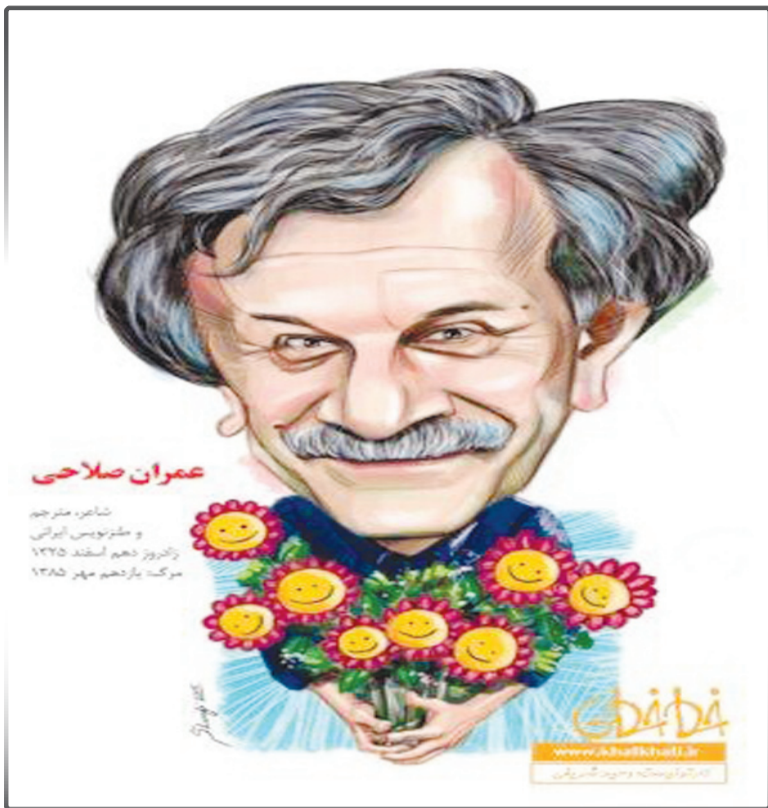
هیچی

-بنیمن فردا چت باشه ها

دقت کردین یک پاک کن هیچوقت تموم نمیشه بلکه نصف میشه یا گم میشه؟!
بسه پسته ها بگید اگه چیز خنده داری هست بگن گروه ها هم بختند!

عمران صلاحی؛

شوخ شهر آشوب طنز ایران



امروز، بخش زیادی از طنزنویسان و طنزپردازان جوان یا میانسال معاصر، خود را وام دار قلم نام دار او می دانند. به موازات همین حضور همه جانبه در مطبوعات، رادیو و تلویزیون و پژوهش، او حضور پررنگی در انجمن های ادبی داخلی و خارجی داشت. در واقع از همان نوجوانی پایش به این محافل باز شد. خودش می گفت: «می خواستم ببینم شاعرها چه شکلی هستند. تا به آن موقع شاعر ندیده بودم و اولین شاعر که دیدم استاد عباس فرات بود... به قد بلند من اشاره کرد و گفت چرا داری می ری به آسمان؟»
عمران صلاحی از معدود طنزپردازانی است که پس از مرگش (۱۱ مهر ماه ۱۳۸۵)، ویژه نامه ها و پرونده های بسیاری در ستایشش انتشار یافت. از مهم ترین آنها انتشار دفتر هنر ویژه سه تفنگدار (عمران صلاحی، پرویز شاپور و بیژن اسدی پور) در آمریکا بود. از پس این سال های بی حضورش، عمران صلاحی هرگز به محاق نرفت. برای شناختنش باید او را فقط با خودش مقایسه کرد؛ مانند الماس که آن را با الماس تراش می دهند؛ کارهایش با آثار هیچ کسی قابل مقایسه نیست. اندیشه، شیوه نگارش و حتی رفتارش یگانه است و خواهد ماند. عمران صلاحی در نهایت قدرت و توان می نوشت و می سرود. به قول خودش: «قلم در دست او مانند موم است/ در اینجا مطلب ما هم تموم است»

و طنز ترسیمی هم نمایان شد. علاوه بر اینها، مسئولیت دو صفحه روزنامه حزب خران و ستون های «حکایت» و «چهلستون» در مجله توقیف نیز بر عهده او قرار گرفت. عمران در توقیف و در کنار احترامی، فرجیان، صابری، حالت، جلی، گویا، معمارزاده، کیمیاگر و ... اوج فکاهه و طنز آمیخته به هزل نویسی را تجربه کرد و همکاری اش با این روزنامه تا سال ۱۳۵۰ ادامه داشت. بعد از انقلاب نیز، غیر از مطبوعه های متنوع و موسسه گل آقا (اعم از هفته نامه، ماهنامه، سالنامه، بچه ها گل آقا و ...) که صلاحی با ارادت عجیبش به صابری، مجدانه از آنها حمایت می کرد، فصل نامه ها و مجلاتی همچون بابا، بخار (تداعی معانی)، دفتر هنر، آدینه، زمان شوکران (رفع تکلیف)، کارنامه (حرف اضافه)، نشانی (خط و نشان)، کلک، گلستانه، آزما، گوهران، معیار، ناه، شعر (سوره)، فرهنگ مردم، آذری و ... آثار متنوع و کثیری از او منتشر یا بازنشر می کردند. در خلال دهه های شصت و هفتاد، مرور ستون های طنز صلاحی در ماهنامه های نظیر بُرُج، دنیای سخن (حالا حکایت ماست) و خورجین، همچنان خواندنی و تأمل برانگیز است. در اغلب طنز نوشته های صلاحی، همواره رد پای ابیات، ضرب المثل ها، اصطلاحات و کنایات، اشارات و لطایف و مطایبات و اقسام تعبیر ادبی و عامیانه به چشم می خوردند.

به گزارش شیرین طنز، به نقل از سالنامه اعتماد - سید عمادالدین قریشی: «عمران صلاحی» از نام آوران عرصه ادبیات جد و غیر جد، به تاریخ دهم تیر اسفند ۱۳۲۵ در محله امیریه (مختاری تهران) متولد شد. پدرش محب الله (با اصلاتی اردبیلی) کارمند راه آهن بود و بالطبع خانواده اش کثیر السفر بود. مادرش فیروزه (رزا) اصلتسا از مهاجرانی بود که از باکو به ایران آمده بودند. خود عمران معتقد بود «مونتاز تهران» است!

در دبستان های صنیع الدوله (قم)، قلمستان (تهران)، شهریار (تهران) و دبیرستان های امیر خیری (تبریز) و وحید (تهران) درس خواند. با مرگ پدرش (۱۳۴۰) به تهران (محله نازی آباد و جوادیه) بازگشتند. مدرک فوق دیپلم مترجمی زبان انگلیسی را از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت. با آن قامت کشیده، خدمت نظام وظیفه را در تهران، تبریز، کرمانشاه و مراغه در خلال سال های ۱۳۵۲-۱۳۵۰ سپری کرد. سال ۱۳۵۲ به دعوت نادر نادرپور، همکار گروه ادب امروز رادیو شد و به استخدام رادیو تلویزیون ملی ایران درآمد. آنجا با محمد قاضی، رضا سید حسینی و حسنعلی هروی آشنا شد. سال بعد با هایدو وهاب زاده ازدواج کرد. از او دو فرزند (یاشار و بهاره) به یادگار است.

در خلال سال های ۱۳۵۴-۱۳۵۳ سردبیر دو هفته نامه قاصدک (نشریه خبری سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران) شد و در سال ۱۳۷۵ با سمت مسئول کتابخانه انتشارات سروش، بازنشسته شد. صلاحی، دوست داشت زندگینامه خودش را به سبک طنزنویس آمریکایی «جیمز تربر» بنویسد. او این کار را در شماره سوم فصل نامه گوهران انجام داد و نام «سوپریشینه» بر آن نهاد. عمران صلاحی به قول منوچهر احترامی «هرگز در تاریکی گم نشد، بلکه در تاریکی درخشید.» به تشویق معلم ادبیاتش، سید عبدالعظیم فیاض، از دوازده سالگی به فارسی و از بیست سالگی به ترکی، سرودن شعر را آغاز کرد. سال ۱۳۴۰ زمانی که ساکن تبریز بود، نخستین شعر کودکش «باد پاییزی» در مجله اطلاعات کودکان منتشر شد. از سال ۱۳۴۵ شعر نو می نوشت.

نخستین شعر نیمبایی اش را در سال ۱۳۴۷ در خوشه منتشر کرد و سال ۱۳۶۶ بود که به شعر سپید روی آورد. از سال ۱۳۴۴، با انتشار شعر «بچه جوادیه» در توقیف و دعوت از او به تحریریه، پایش به عرصه فکاهه و طنز مکتوب باز شد و با پیوستن تمام وقتش به توقیف، ضمن آغاز رفاقت عمیقش با پرویز شاپور، طنزنویسی منظوم و منثور را جدی تر دنبال کرد. همانجا بود که وجه کمتر دیده شده ای از او یعنی کشیدن کاریکاتور

طنز

گلاب و گلابی

« محمد قلی نسب



فرق تو و من فرق گلاب است و گلابی
تو آن همه خوشمزه و من کال حسابی

من در همه ی سال طرفدار ندارم
اما تو در عطاری و معروف به نابی

یک بار نشد آب مرا نیز بگیرند
بی آبرویم در خم این گنبد آبی!

همسایه ی دیوار به دیوار شما شمشک
هم کاسه ی من گوجه ی در حال خرابی

تو دست به دست بپرند و بچکانند
من بو کنم و خشک، درین ظرف کتابی!

یک بار نخود آمد و پرسید هویچی؟
گفتم نه. تو باید بروی کشک بسایی!

القصه تو محبویی و در صدر مجالس
من بی ثمر از این همه خوش رنگ مایی!

آگهی مربوط به تجدیدنظر خواهی سیمین یگدستان آگهی ابلاغ دادخواست و ضمانت تجدیدنظر خواهی به آقای علی بیات
تجدیدنظر خواه خانم سیمین یگدستان دادخواست تجدیدنظر خواهی به طریقت تجدیدنظر خوانده آقای علی بیات نسبت به دادنامه شماره ۱۰۵۵ در پرونده کلاسه ۹۶۰۶۵۳ شعبه ۱۴۷ تقدیم که طبق موضوع ماده ۷۳ و ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن تجدیدنظر خوانده مراتب تبادل لوائح یک نوبت در یکی از جراید کنترالانتشار آگهی می گردد تا تجدیدنظر خوانده ظرف ده روز پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه نانی دادخواست و ضمانت تجدیدنظر خواهی را دریافت و چنانچه پاسخی دارد کتبا به این دادگاه ارائه نماید. در غیر این صورت پس از انقضاء مهلت مقرر قانونی نسبت به ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر اقدام خواهد شد.
۳۳/۱۷۷۶۲۱-۳

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۱۴۷ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع ناحیه ۱۴ - شهید مصلانی
آگهی
محکوم له: عادل کبریان - محکوم علیه: مهرداد حسرنتی کیا - کیوان خلوتی - پیرو آگهیهای منتشره در جراید بدینوسیله به مهرداد حسرنتی کیا - کیوان خلوتی که مجهول المکان می باشد ابلاغ می شود پیوجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۶۰۹۹۷۰۰۰۳ و شماره دادنامه غیابی مربوطه ۹۶۰۹۹۷۰۰۰۸۵ از تاریخ ۱۳۳۲/۰۹/۲۷ محکوم علیهما محکوم اند تضمینی به پرداخت مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و نیز پرداخت خسارت تاخیر تادیه بر مبنای شاخص نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از تاریخ سررسید چک تا روز اجرای حکم و همچنین به پرداخت مبلغ ۲۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال بعنوان هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله وکیل بر مبنای تعرفه قانونی در حق محکوم. نیم عشر اجرایی معادل پنج درصد محکوم به پسر عهده محکوم علیهما می باشد. لذا مفاد اجراییه صادره یک نوبت در اجرای ماده ۷۳ آ.د.م و ماده ۹ قانون اجرای احکام مدنی در یکی از جراید کنترالانتشار درج می گردد تا ظرف ده روز پس از انتشار آگهی نسبت به اجرای مفاد اجراییه اقدام گردد. در غیر این صورت واحد اجرای احکام طبق مقررات نسبت به اجرای مدلول اجراییه و وصول هزینه اجرایی اقدام خواهد نمود.
۳۴-۱۷۷۶۲۵-۳

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۱۴۷ دادگاه عمومی (حقوقی) مجتمع ناحیه ۱۴ - شهید مصلانی
آگهی
پرونده کلاسه: ۹۶۰۹۹۸۰۲۱۳۵۰۰۷۵۸ شعبه ۱۸۴ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مطهری تهران تصمیم نهایی شماره ۱۳۴۴-۲۱۳۵۰۰۹۹۷۰۹۶۰-۹۶۰: خواهان: آقای احمدرضا حسینی فرزند غلام حسین به نشانی تهران - خ خیام کوچکه منوچهر خانی مجتمع دیپلمات پ ۴۰ - خواننده: آقای حیدر لطفی ژاد فرزند محمدتقی - خواسته ها: ۱. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۲. مطالبه خسارت دادرسی ۳. مطالبه وجه بابت ...
رای دادگاه

خواهان محمدرضا حسینی دادخواستی بخواسته مطالبه مبلغ ۱۴۹/۱۶۰۰۰۰ ریال وجه یک فقره چک به شماره ۴۰۹۴۳، مورخ ۹۶/۸/۳۰ عهده بانک ملی ایران و مطالبه وجه یک فقره کانتور به شماره ۳۴۴ مورخه ۹۶/۶/۱۵ به انضمام خسارات دادرسی و تاخیر تادیه لغایت اجرای حکم را بطریقت خوانده حیدر لطفی نژاد تنظیم و تقدیم دادگاه نموده و در ابضاح خواسته مرفوع داشته حسب چک موضوع که منجر به صدور گواهینامه عدم پرداخت گردیده و سند عادی مذکور از خوانده طلب دارم لکن به رغم مراجعات مکرر اقدامی جهت استیفاء دین به عمل نیاورده و دین خویش را ادا ننموده است خواننده در جلسه دادرسی حضور یافته دفاعی معمول نداشته است از اینرو دعوی مصون از ایراد و اعتراض موثر باقی مانده است حالیه دادگاه با توجه به مراتب فوق و اینکه وجود چک و سند عادی در يد دارنده دلالت بر مدیونیت صادر کننده آن دارد و صدور گواهینامه عدم پرداخت نشان از استتکاف خواننده از ادای دین دارد استصحاب بقاء دین و تقدیم دادخواست نیز باینگرم عدم استیفاء وجه خواسته می باشد از سوی دیگر حاکمیت اوصاف تجردی، تجزیه و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری خوانسته را استوارتر و دعوی را منقن تر می سازد، از اینرو دادگاه دعوی مطروحه را وارد تشخیص و مستندا به مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ و ۳۲۰ قانون تجارت ۲۲۸ و ۱۲۵۷ قانون مدنی ۲ و ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و قانون استفساریه موضوع تبصره ۲ قانون اصلاحی قانون صدور چک حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۱۴۹/۱۶۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت دادرسی وفق تعرفه در حق خواهان صادر و اصحلام می دارد خسارت تاخیر تادیه نیز از تاریخ سررسید چک لغایت اجرای حکم براساس نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی محاسبه و با اتخاذ از خوانده در حق خواهان پرداخت می گردد در خصوص دعوی خواهان بنی بر مطالبه وجه چک ۷۴۱۵۳۹ نظر به اینکه امضا خواننده در ظهر چک با متن آن وجود ندارد و دعوی متوجه خواننده نمی باشد و در خصوص چک های شماره ۴۰۹۴۴ و ۴۰۹۴۱ با عنایت به اینکه دارنده چک شخصی غیر از خواهان می باشد و خواهان ذینفع نمی باشد مستندا به بندهای ۴ و ۱۰ ماده ۸۴ و ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد دعوی صادر و اعلام می گردد. رای صادره غیابی محسوب و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.
۴۱-۱۷۷۶۲۷-۳

کنده نر از دروغ

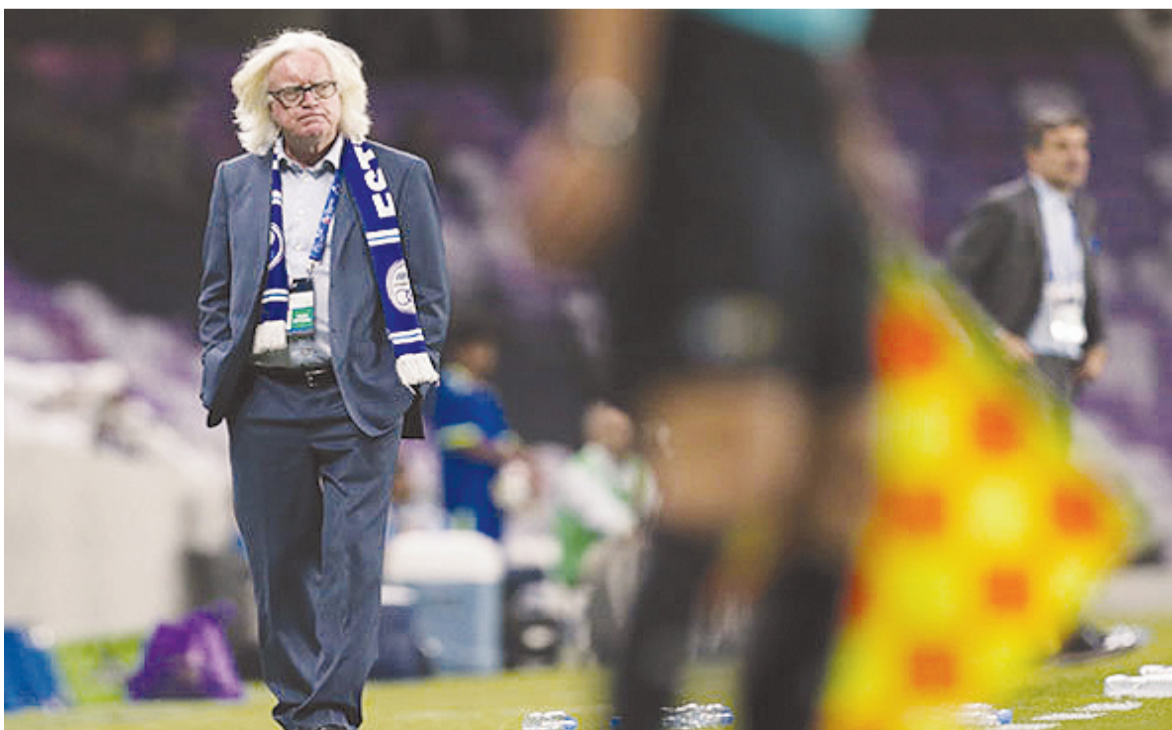
پول پیک

« مهدی طوسی
گفته می شود که شفر سرمربی تیم استقلال تهران که یک فصل تقریباً خوب را با تیم آبی های پایتخت سپری کرد در یک جمع

کاملاً دوستانه گفته: من نمی خواهم قراردادم را با استقلالی ها تمدید بکنم چرا که من به آنها گفتم که حاضر نیستم حتی یک ریال از قراردادم را هم کسر بکنم اما بعد از اینکه چک من صادر شد متوجه شدم که آنها خیلی خیلی

نتیج عکس

« شفر: این کمک داور هم جلوی من را گرفته و نمی گذارد بازی را ببینم!



پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۱۳۶۰۰۹۳۱ شعبه ۲۱۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید منتق تهران تصمیم نهایی شماره ۱۹۷۳-۹۶۰۹۹۷۲۱۳۶۰۰۹۶۰: خواهان: آقای علی اصغر عبدالمی فر فرزند رمضان با وکالت آقای ابراهیم قاسمی فرزند علیرضا به نشانی تهران - جنت آباد جنوبی بلوار لاله غربی خیابان نمازی پلاک ۵ واحد ۳ - خواننده: پوران منصوبی - خواسته ها: ۱. مطالبه خسارت دادرسی ۲. مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳. مطالبه وجه چک - گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطریقت خواننده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده/ مقرر دادگاه به تصدی امضاء کننده زیر تشکیل است و بنا توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.
رای دادگاه
در خصوص دعوی علی اصغر عبدالمی فر با وکالت ابراهیم قاسمی بطریقت پوران منصوبی بخواسته محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ دوپست و نود میلیون ریال بابت سه فقره چک به شماره ۲۹۳۴۲۰-۹۵/۱۲/۲۰ و ۲۹۳۴۰۴-۹۵/۱۲/۱۵ و ۲۹۳۴۰۴-۹۵/۱۱/۳۰ عهده بانک صادرات و مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه، مفاد دادخواست تقدیمی و مستندات اجرایی کیی مصدق چک و گواهی عدم پرداخت بانک محال علیه حاکی از صحت دعوی، اشتغال ذمه خوانده و استحقاق خواهان و بقاء اصول مستندات در يد خواهان دال بر بقاء دین عهده خواننده است و چون علیرغم ابلاغ قانونی در قبال دعوی مطروحه دفاعی بعمل نیامده لذا دادگاه دعوی را مرفوع به صحت تلقی و مستندا به مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ و ۳۱۵ قانون تجارت و تبصره الحاقی ذیل ماده ۲ قانون صدور چک و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خواننده موضوع به پرداخت مبلغ دوپست و شصت میلیون ریال بابت اصل خواسته و نیز هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی در حق خواهان صادر و اعلام می نماید. دایره اجرا مکلف است خسارت تاخیر تادیه را از تاریخ سررسید تا زمان اجرای حکم براساس تغییر تناسب شاخص سالانه بانک مرکزی محاسبه و از خواننده وصول و به خواهان پرداخت نماید. رای صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و پس از آن تا بیست روز قابل اعتراض در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.
۴۲-۱۷۷۶۲۴-۳

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمانت
کلاسه پرونده: ۹۷۰۰۳۲/۲۲۲ - وقت رسیدگی: ۹۷/۰۳/۱۹ ساعت ۱۰:۳۰ صبح - خواهان: معصومه دینار - خواننده: موسی ترلانی - خواسته: طلاق زوجیه / خواهان دادخواستی تسلیم دادگاههای عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۲۲ ارجاع گردیده وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خواننده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کنترالانتشار آگهی میشود تا خواننده از تاریخ نشر آخرین آگهی طرف یک ساه به دفتر دادگاه مراجعه وضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمانت را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور بهم رساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر ومدت آن ده روز خواهد بود.
مدیر شعبه ۲۳۲ دادگاه خانواده یک تهران
۳۷-۱۷۷۶۲۲-۳